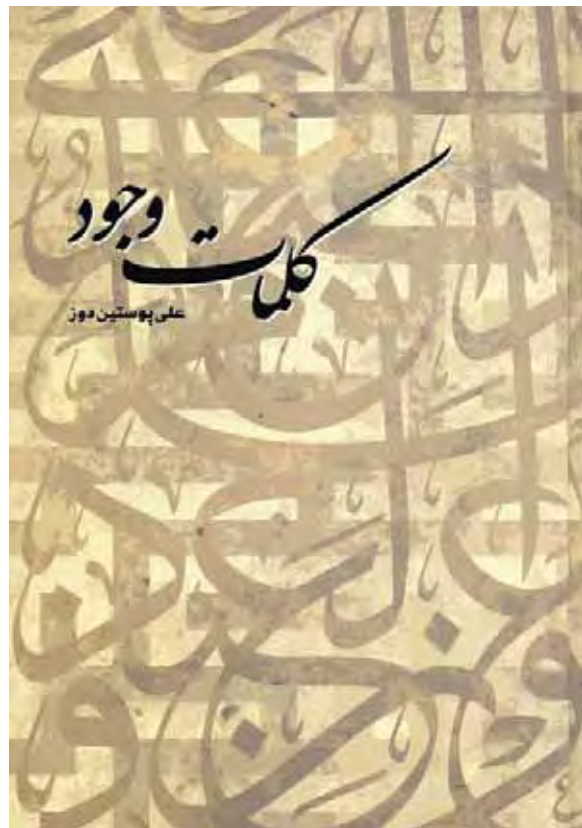


# معرفی کتاب

کلمه وجود، کلمه عشق  
 درباره کتاب «کلمات وجود»  
 تألیف استاد علی پوستین دوز  
 انتشارات سرمدی  
 چاپ اول ۱۳۹۰



کتاب کلمات وجود درباره وجود حق تعالی است. نویسنده در این کتاب با بیانی فلسفی و عرفانی متأثر از فرهنگ عرفانی ایران و با استناد به کتب متعدد فیلسوفان و عارفان بزرگ ایران به توضیح مفهوم وجود و پرباری استفاده از آن برای توصیف حضرت حق می‌پردازد. او می‌نویسد اصل حقیقت وجود، صرف‌الوجود است یعنی ثانی از سنخ خود ندارد. کنز مخفی و غیب‌الغیوب است که نه قبول اشاره عقلیه می‌نماید و نه صریح ذات قابل اکتناه و مشاهده است و به کُنّه وجود حضرت او دسترسی نیست. لذا اطلاق وجود بر حقیقت حق تعالی از برای تقریب ذهن و تفهیم است چرا که خود لفظ وجود مشعر به تعین است و حضرت او را نه اسمی است، نه رسمی، و نه تعینی. به واقع، اسم او عین صفت او، و صفت او عین ذات اوست و چون لفظی که از حیث سعه و اطلاق از کلمه وجود کامل‌تر باشد نداریم، پس به آن حقیقت متعال که «اصل هستی» است وجود می‌گوییم.

در مراتب توحید هم شرح داده شده است که توحید متوقف بر فهم این معناست که حقیقت حق تعالی به اعتبار ذات در نهایت تنزه است و با هیچ موجودی همراهی ندارد ولی در مقام فعل متصف به اوصافی است که در لسان شرع به حق اطلاق شده است.

از سوی دیگر از لفظ وجود برای اعلام حضور مخلوقات حضرت حق هم استفاده می‌شود. در اینجا مفهوم وجود دال بر مخلوق بودن و وابسته بودن وجود مخلوق به واجب‌الوجود است. عالم و هر چه در عالم است همه آفریده اوست و هر چه آفریده، چنان آفریده که از آن بهتر و نیکوتر نباشد و اگر عقل همه عقلا در هم زند و اندیشه کنند تا این مملکت را صورتی نیکوتر نباشد و اگر عقل همه عقلا در هم زند و اندیشه کنند تا این مملکت را صورتی نیکوتر از این بیندیشند یا بهتر از این تدبیر کنند یا چیزی نقصان کنند یا زیادت، نتوانند و آنچه اندیشه کنند که بهتر از این می‌باید خطا کنند. او هر چه آفریده به عدل و حکمت آفرید و تمام آفرید و چنان آفرید که می‌بایست و اگر به کمال‌تر از این ممکن بود و نمی‌آفرید از عجز بود یا از بخل و این هر دو صفت بر وی محال است.

نویسنده از قول عزیز نسفی در کشف‌الحقایق آورده است که از شاه اولیاء امیرالمؤمنین علی (صلوات الله و سلامه علیه) پرسیدند وجود چیست؟ آن امیر عارفان فرموده به غیر از وجود چیست؟ اهل وحدت و عارفان بالله بر این باورند که به غیر از

وجود حق تبارک و تعالی هیچ نیست و در دار وجود، موجود واقعی و نفس‌الامری غیر از حق تعالی وجود ندارد و عالم منحصر به یک وجود و هستی صرف و بسیط از جمیع جهات است و موجودات متکثره که در نظر ما جلوه می‌کنند صرف توهم است.

ملا هادی سبزواری نیز در منظومه شریفش به این موضوع اشاره کرده است:

کل ما فی الکون وهم او خیال

او عکوس فی المرایا او ظلال

یعنی آنچه در کائنات است وهم و خیال است و یا تصاویری از مناظر و سایه‌ها. حقیقت وجود هم به اعتبار تجلی در اعیان، عین موجودات است و به اعتبار انبساط شامل همه حقایق.

در همین زمینه نویسنده توضیح داده است که وصال بدین معناست که بر ما محقق گردد هستی ما از آغاز به خداوند تبارک و تعالی تعلق داشته و کسی از خود وجودی ندارد تا بتواند این وجود روزی زوال یابد. لذا اگر خود را منقطع از هستی بدانی آن گاه خداوند و حق را شناخته‌ای و گرنه شناخته‌ای. در مصحف شریف هم که آمده «کل من علیها فان و یقی وجه ربک» (قرآن / ۲۶-۵۵). بقاء را برای ذات احدیت و هویت مطلقه که غیب‌الغیوب است نیآورده بلکه برای «وجه» خدا آورده است که شرح این «وجه» در همین کتاب بیان شده است به قدر توان و فهم.

بنابراین در باب حق و معرفت به حق، حضرت حق تعالی معبود هیچ عبادت‌کننده‌ای نیست زیرا معبود باید از راه علم حصولی یا علم حضوری معلوم باشد و حق در مقام غیب مطلق خود نه مشهود حضوری است نه معروف حصولی. بنابراین حق معبود هیچ عابدی نخواهد بود. حتی انسان کامل نیز آن مقام غیب محض را نمی‌شناسد و نمی‌یابد. لذا آن مقام را عبادت نمی‌کند مگر از پشت حجاب اسم اعظم و بخشی از تسبیح و تنزیه عبد عارف به عجز در شناخت همین مقام غیب مطلق حضرت سرمدی است. بنابراین وقتی می‌گوییم سبحان‌الله یعنی ما نمی‌توانیم حق را آن گونه که شاید و باید بشناسیم و به وجه غیرمشهود حضرت حق تعالی معرفت پیدا کنیم ضمن اینکه او تبارک و تعالی از هر عیب و نقصی مبرا است.

ماحصل کلمه وجود، عشق است و عاشقی. چنان که آمده است:

پیمبر عشق و دین عشق و خدا عشق

ز فوق‌العرش تا تحت‌الثری عشق

و نیز:

عاشق شو ار نه روزی کار جهان سر آید

ناخوانده نقش مقصود از کارگاه هستی

نویسنده سپس به موضوع ولایت پرداخته تا بحث خود را جمع‌بندی نماید. او توضیح می‌دهد که ولایت یعنی تحت تدبیر الهی قرار گرفتن و فانی شدن اراده عبد در اراده مولی به گونه‌ای که از خود هیچ اراده‌ای نداشته باشد. خواسته او خواست حق باشد. در این صورت (استهلاک اراده عبد در اراده حق) وقتی عبد چیزی را اراده کند حق برایش بجا می‌آورد چرا که اراده بنده چیزی جز اراده حق نیست و بنده عاشق مخلص که بعد از فناء فی‌الله به بقاء‌الله یا بقای بعد از فنا رسیده به خواسته خودش که در واقع چیزی جز خواست حق نیست می‌رسد و اگر از او پرسند چه می‌خواهی؟ جواب می‌شنوند که «می‌خواهم که هیچ نخواهم».

چنین بنده‌ای می‌داند که لطف خداوندی که آفریننده همه موجودات است شمال مخلوقات می‌شود. لذا ادراک می‌کند هر موجودی فعل نیک خداوند است و آنچه به ما می‌رسد قرار است که برسد و می‌رسد و این خواست و اراده اوست که حاکم علی‌الاطلاق اوست و آنچه به ما نمی‌رسد قرار است که نرسد و نمی‌رسد و هر چه به ما می‌رسد همه لطف است.

در این حالت است که عبد عاشق صادق به عینه می‌بیند غنای مطلق حق را و فقر ذاتی خود و تمامی موجودات عالم را. چنین بنده‌ای پای در وادی اولیاء‌الله نهاده است (یعنی مقام ولایت) که در آن نه خوفی است، نه حزنی و همه امن و امان است. عبد عاشق مخلص خود را هیچ می‌داند و همه عالم را هیچ. مولوی فرماید:

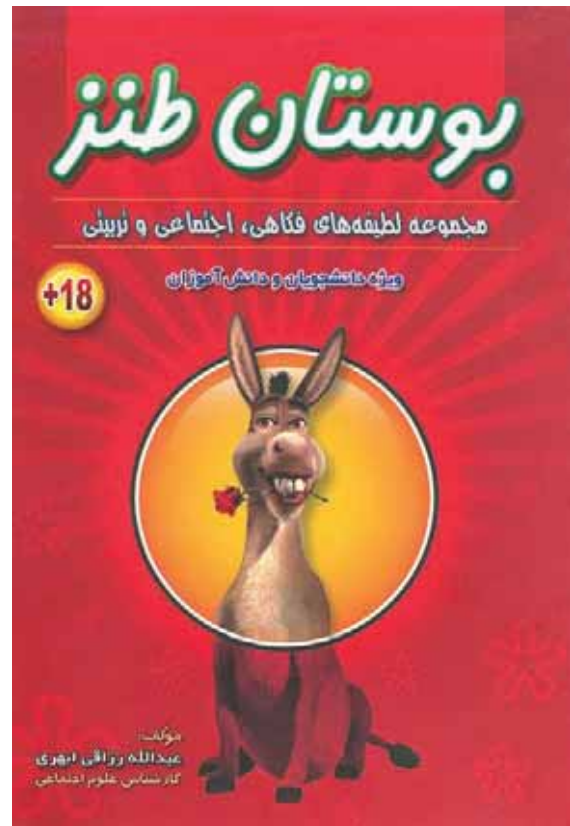
اهل دنیا زین سبب اعمی‌دلند

عاشق شورابه آب و گلند

به واقع هیچ هنری در این عالم از هنر عشق‌ورزی بهتر و برتر نیست. عاشق عاقل کسی است که عالم را و حتی عالم دیگر را به چیزی نمی‌گیرد و تنها صاحب عالم را می‌خواهد و بس. این دست نمی‌دهد مگر آنکه عاشق وجود را تنها خاص حضرت حق بداند و در واقع وجود را آگ، نه که واقع است فهم کند و نه چنان که وهم است. و این آن چیزی است که کتاب کلمات وجود توضیح می‌دهد برای آنان که پای در مسیر عشق ورزیدن دارند.



بوستان طنز  
استاد عبدالله رزاقی  
انتشارات کمال اندیشه  
چاپ اول ۱۳۸۹



عبدالله رزاقی در ۱۶ مرداد ۱۳۱۹ در شهر ابهر در استان زنجان دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدائی را (تا ششم ابتدائی نظام آموزشی قدیم) در ابهر گذراند. در ریاضیات و ادبیات استعداد بسیار بالایی داشت و اغلب شاگرد ممتاز بود. پس از پایان تحصیلات ابتدائی قصد داشت در دبیرستان رشته طبیعی نظام آموزشی آن زمان ادامه تحصیل داده و در رشته پزشکی دانشگاه تحصیلات عالی را دنبال نماید اما به دو دلیل عمده، پدرش مانع شد زیرا با توجه به عقیده و آموخته‌هایش نمی‌خواست فرزندانش در دبیرستان درس طبیعی بخوانند. همچنین در آن زمان بیشتر این وضعیت حاکم بود که پسر باید عسای دست پدر باشد. پدر رزاقی صاحب یک نانوائی بود و پسرش را از همان سیزده سالگی به عنوان کمک مؤثر

در امور نانوائی پیش خود مشغول به کار کرد. اما وی از آنجا که علاقه و اشتیاق زیادی به مطالعه و کسب معلومات در زمینه ادبیات و اجتماعیات داشت، در مغازه و خانه در موقع بیکاری و در هر فرصتی که پیش می‌آمد و حتی گاهی با رفتن به صحرا و جنگل و کنار رودخانه و سبزه‌زارها، به خواندن کتب و مجلات گوناگون علمی و ادبی و اجتماعی می‌پرداخت. پس از هفت سال پدرش شغلش را تغییر داد و دیگر چندان به وجود پسرش برای کمک نیاز نداشت. عبدالله هم برای دنبال کردن مسیر زندگی‌اش به تهران آمد و با استفاده از فرصتی که دست داده بود در مدت کوتاهی در یک آموزشگاه تایپ فارسی و انگلیسی را خوب یاد گرفت و در یک شرکت ساختمانی مشغول به کار شد. دو سال بعد از شرکت ساختمانی بیرون آمده و در یک مؤسسه تایپ و تکثیر جزوات دروس اساتید دانشگاه و پایان‌نامه‌های دانشجویان فارغ‌التحصیل مشغول شد که از نظر درآمد و کسب معلومات گوناگون فرصت و کاری مناسب و دلخواه بود. بنا به توصیه یکی از اساتید به ادامه تحصیل روی آورد و در سال ۱۳۴۸ دیپلم گرفت و چون در آن سال دوره شبانه رشته پزشکی دانشگاه تهران لغو شده بود بناچار در رشته علوم اجتماعی پذیرفته شد و در سال ۱۳۵۳ مدرک تحصیلی لیسانس را اخذ نمود. بعد از آن در سمت‌های مختلفی حضور یافت و سرانجام در سمت‌های مدیر کل دخانیات استان سیستان و بلوچستان و بعد مدیر کل دخانیات استان لرستان در سال ۱۳۷۸ بازنشسته شد.

وی اولین کتاب خود را در سال ۱۳۴۵ با عنوان «قصه‌های نو ویژه کودکان» در حالی که هنوز تحصیلاتش در حد ششم ابتدائی بود منتشر کرد که به نثر و نظم بود و خیلی زود فروش رفت. بعد از بازنشستگی او به فعالیت مطبوعاتی و تنظیم نوشته‌هایش همت گماشت که حاصل آن اینها بوده است: سه قصه شیرین (نثر و نظم) به انضمام شرح نمایشی که فراموش شده بود (ارباب و حمال) به صورت نظم در سال ۱۳۸۱.

خروس فضول (برای کودکان و نوجوانان) در سال ۱۳۸۲.  
کلیات اشعار در سال ۱۳۸۲.  
چهار قصه شیرین (نثر و نظم) به انضمام منظومه کشور تن و روح ثانی در سال ۱۳۸۴.  
پنج قصه شیرین (نظم و نثر) به انضمام منظومه ترکی فارسی «داغلاردا، باغلاردا، یولداشلارینان» (در کوه‌ها و باغ‌ها با دوستان) در سال ۱۳۸۴.  
منظومه ترکی فارسی «ملاداغینا سلام» (سلام بر کوه ملا) به سبک منظومه حیدر بابایه سلام در سال ۱۳۸۵.



رازهای دستیابی به خوشبختی در سال ۱۳۸۸.

رازهای موفقیت بزرگان در سال ۱۳۸۸.

باغ طنز (نظم) در سال ۱۳۸۹.

دل و عشق در ادبیات پارسی (تألیف) در سال ۱۳۸۹.

بوستان طنز (نظم و نثر) در سال ۱۳۸۹.

وی همچنین ده‌ها اثر دیگر در دست انتشار دارد. آنچه در پی می‌آید از مقدمه کتاب بوستان طنز او انتخاب شده است. لازم به ذکر است که وی در اشعارش سحاب ابهری تخلص می‌کند.

■ ■ ■

مطالب فکاهی در این بوستان

شد هدیه، بخوانند همه دوستان

سخن‌ها در آن چون که شد خنده‌دار

بود روشنی بخش دل‌های تار

گر آن را بخوانی بخندد رُخت

انرژی بگیرد ز خنده مُخت

ز خنده شود روشن افکارتان

بگردد از آن بهتر احوالتان

بخوانید و خندید و باشید شاد

زهر حزن و غم جانتان دور باد

ز یزدان بخواهد همیشه «سحاب»

رود غم ز دل‌های تنگ و خراب

کسی که بخواهد (به قول یارو گفتنی) اثر و «مثری» از خود به در بکند یا بفرماید ادبا پدید آورد و خلق نماید، لازم نیست «زیاد زور بزند» تا سوژه پیدا بکند یا به سراغ شرح و بسط و تغییر و گردآوری و اقتباس و تقلب کردن از روی روایات و قصه‌ها و حکایات جدی و فکاهی قدما و توصیف و تغییر آنها برود و از ماجراهای عجیب و غریب و محیرالعقول از جمله طلسم شدن‌ها و انواع عذاب‌ها و شکنجه‌ها و مشقات و بدبختی‌ها یا خوشبختی‌ها و هدف‌ها و خواسته‌های قهرمان مربوطه، از قبیل یافتن و به دست آوردن سلطنت یا گنج و ثروت عظیم و بادآورده و یا رسیدن به وصال معشوق و محبوب خود و ذکر برخی علل و نتایج مادی و معنوی قضایا پردازد یا به نگارش مطالب تخیلی و مصنوعی و پرورشی و ساختگی و غالباً کذب و ملالت‌آور و... اقدام نماید تا فرضاً باعث لذت بردن و خندیدن دیگران (در خصوص آثار فکاهی و طنز) بشود. پس چه بکند؟ اگر چشمان تیزبین و دقیق‌نگر و افکاری باز و روشن داشته مغزش (به قول یارو گفتنی) دارای «امواج کوتاه» بوده، از همه مهمتر آدم با حوصله و صاحب اراده‌ای قوی باشد می‌تواند در حول و حوش خود، در هر کجا که هست و به هر جا که می‌رود، در شهر، روستا، جاده، محله، محل کار، در همسایگی،

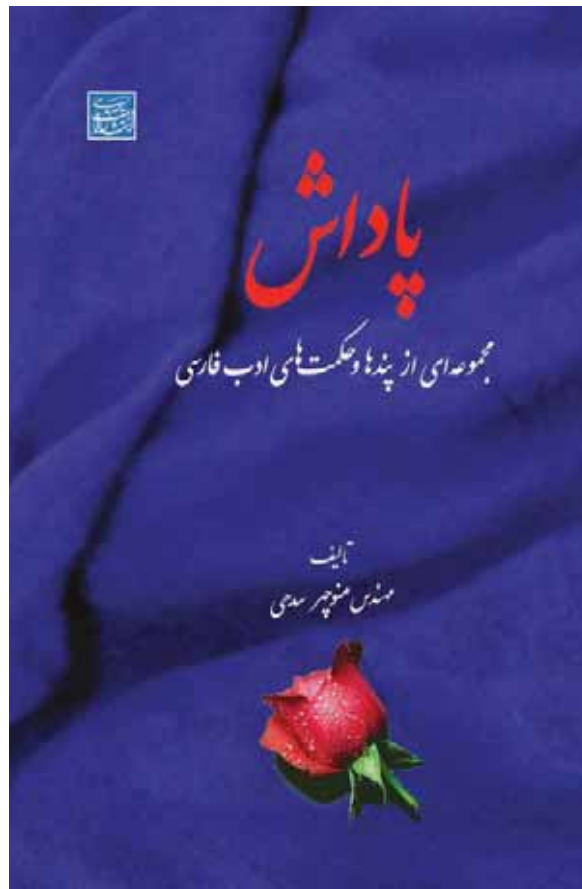
مجالس مختلف، کلاس‌های درس دبیرستانی و دانشگاهی و آموزشگاهی، خیابان، سفرها، در اتوبوس، تاکسی، هواپیما، محل‌های تجمع اشخاص و... به مطالعه «خاص»، به خصوص در زمینه طنز «در کارها و رفتارهای غیرعادی» و خلاف عرف برخی اشخاص، نه به عنوان فضولی و عمل زشت تمسخر و تحقیر توأم با غرض و مرض، بلکه از لحاظ «مردم‌شناسی» و پی بردن به حالات روانی آنها و طول فکر و عملکردشان در زندگی و برخورد با دیگران و مسائل پیرامونشان اقدام نموده و نتیجه مشاهدات و ملاحظات و برداشت‌های خود را به صورت خاطرات یا هر طور که صلاح می‌داند تهیه و یادداشت کند و بعدها اگر لازم بود بر اساس سلیقه و ذوق نیاز و هدف مورد نظر و به منظور استفاده‌های مخصوص و با توجه به نیاز روز مطالب را پیرواند (مثل پرورش ماهی، مرغ، درخت، گل، میوه و سبزیجات و سایر موارد مشابه که شما بهتر از من می‌دانید چگونه با دادن و خوراندن کود شیمیایی و حیوانی و غذایی مخصوص آنها را رشد سریع می‌دهند). یعنی مطالب فراهم شده را بپزد و (به قول یارو گفتنی) نوشته‌هایی قابل فهم و هضم را برای همه با حال‌تر نماید و به عبارتی مقداری مطالب جنبی ضروری و غیرضروری به عنوان فلفل و زردچوبه و نمک و روغن داغ و ادویه‌جات به آنها اضافه کند تا (به اصطلاح) خوشمزه‌تر کرده، کتابی باب طبع اکثر مردم و مشتری‌پسند به وجود آورد. چنانچه در گذشته اشخاص زیادی چنین کاری انجام داده‌اند... آنگاه به خواست پروردگار و مساعد بودن اوضاع «جوی» اقتصاد جامعه از لحاظ قیمت کاغذ، هزینه‌های وحشت‌آور چاپ و نیز از بین رفتن مشکلات روانی و ناملایمات روحی نویسنده و مؤلف بر اثر وجود کساد بازار و برخوردهای دلسردکننده و نادرست برخی از اهل نشر و پخش و فروش کتاب و بالاخره شکوفایی و رواج فرهنگ و آیین و معرفت خرید و نگهداری و خواندن کتاب و سرانجام داشتن طاقت و توان و تحمل جسمی و روانی و مالی قضایای مزبور، اثر طبع خود را چاپ و منتشر نموده در اختیار دیگران هم قرار دهد. در این صورت دوستداران این قبیل آثار (طنز و فکاهی) هم به جای مطالعه قصه‌ها و حکایات کهنه و تکراری و دست‌چندم و دستکاری شده مثل ماجراهای مالانصرالدین، بهلول عاقل دیوانه‌نما، جامع التمثیل، ریاض الحکایات و امثال آنها، قصه‌ها و ماجراهای تازه به دوران رسیده با موضوعات و نکاتی به درد بخورتر و پیام‌های متنوع و متجدد می‌خوانند و بهره‌ها و فواید «درست و حسابی» و رضایتبخش کسب می‌کنند.





## کتاب پاداش

گردآوری و ترجمه: مهندس منوچهر سدهی  
انتشارات سرمدی



فهرست کتاب با عناوین زیر است:

سخن ناشر

پیشگفتار

فصل اول: ضرب‌المثلهای فارسی از شعرای فارسی زبان

فهرست شعرا و گویندگان

شرح حال شاعران

فصل دوم: ضرب‌المثلهای انگلیسی با ترجمه فارسی و

معادل آنها

مآخذ کتاب حاضر

سخن ناشر به سابقه ضرب‌المثل‌ها و چگونگی شکل گرفتن کتاب می‌پردازد و چنین می‌نویسد:  
ضرب‌المثل‌ها به مرور زمان شکل گرفته و توسط مردم به کار برده می‌شوند. بیش از هزار ضرب‌المثل که از منابع متعدد فارسی و انگلیسی گردآوری شده و در کتاب حاضر ارائه گردیده‌اند از یک سو نشان‌دهنده شکل‌گیری خرد جمعی است زیرا هر یک از ضرب‌المثل‌ها در بر دارنده معنی ظریف و حکمت دقیقی است که در عمل موجب رفتار و کردار صحیح مؤثر و کارآمد است. از سوی دیگر استخراج این ضرب‌المثل‌ها از منابع و شاهد آوردن از ادبیات غنی فارسی و ارائه معادل‌های انگلیسی برای برخی از آنها کاری دشوار و وقت‌گیر بوده که مؤلف محترم، آقای مهندس منوچهر سدهی توانستند با پشتکار فراوان به خوبی از عهده آن برآید.

ادبیات فارسی و آثاری که حاصل قرن‌ها سخنوری و خلاقیت ادبی است، مشحون از نکته‌ها و ظرایف لطیفی است که مطالعه آنها بسیار آموزنده و راهگشای زندگی است. اما در وضعیت امروز، که ما درگیر مشغله‌های فراوان و گرفتار پدیده‌های تکنولوژی شده‌ایم، شاید وقت و فرصت کافی برای مطالعه مفصل این آثار را پیدا نکنیم و حتی برای ما دسترسی به این آثار به راحتی میسر و مقدور نگردد. بدین جهت ضروری به نظر می‌رسد که با انجام پژوهش‌های موضوعی جنبه‌های گوناگون افکار و اندیشه‌هایی که در ادب فارسی وجود دارند ارائه گردند. پاداش در زمره این گونه پژوهش‌هاست و قصد آن دارد که خواننده فهیم را با نکات پندآموز و راهشایی که در ادبیات غنی پارسی وجود دارند آشنا و همراه نماید.

انتشارات سرمدی در طول فعالیت خود همواره تولید و ارائه چنین آثاری را برای استفاده عمومی و ارتقای آگاهی اجتماعی مردم در برنامه خود داشته است با این قصد و هدف که کمکی به ارتقای فرهنگ عمومی و رفتار اجتماعی بنماید.

در پیشگفتار کتاب مهندس منوچهر سدهی می‌نویسد:

تعریفی که از لغت «ضرب‌المثل» در لغتنامه‌ها آمده است بالنسبه جامع است. ضرب‌المثل گفته‌ای کوتاه و مردم پسند است که معنای هشدار یا نصیحت دارد. در این جا به نظر می‌رسد که کلمه مردم پسند در تعریف فوق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا مردم به گفته‌هایی علاقه پیدا می‌کنند که با زندگی روزمره آنها هماهنگ و قابل پذیرش باشد. مخلص کلام اینکه همه عوامل در کنار یکدیگر در ماندگاری یک سخن نقش دارد. در حقیقت ضرب‌المثل‌ها به خاطر کوتاه بودن، مستقیم به

موضوع پرداختن، پر مغزی و شسته رفته بودن جمله‌بندی‌شان سهل الوصول بوده و در نهایت در ذهن توده‌ها می‌نشیند. برای اینکه ضرب‌المثلی به دفعات زیاد مورد استفاده قرار گیرد و مورد قبول عامه باشد باید با تجربیات زندگی روزمره هم نوا و همسو باشد و باید احساس شده و صحت و سقم آن در عمل مورد تأیید و یا رد گردد.

شواهد زیادی در دست است که بسیاری از ضرب‌المثل‌ها از ذهن انسان‌های عالم و فرزانه نشأت گرفته که در طول زندگی خود با آن‌ها برخورد عملی داشته و یا شاهد و ناظر آن بوده‌اند. به این گفته توجه

یکی بر سر شاخ ز بن می‌برید  
خداوند بستان نظر کرد و دید  
بگفتا گر این مرد بد می‌کند  
نه با من که با نفس خود می‌کند

در پی تحقیق جهت یافتن مأخذ و منابع ضرب‌المثل‌ها هر چقدر عقب‌تر می‌رویم رد پای آنها به گونه‌ای ژرف‌تر در تاریخ زندگی انسان‌های گذشته فرو می‌رود و در ارتباط با مضامینی که در این کتاب به آن‌ها اشاره شده گویای حقایقی است، که هر کدام جای خود را در ذهن و روان شاعر و گوینده آن باز کرده و با علم و یقین به درستی آن، آنرا سروده و به صورت نصیحت و انتقال آن به دیگری پای آن صحنه گذارده و بر آن تأکید کرده است. معلوم نیست چرا در این دوران که علم هم به کمک تجربیات گذشته‌ها آمده‌ها همچنان خود را به نادانی و ناباوری زده و توجه لازم به آن نمی‌کنیم.

مفاهیمی چون قضا و قدر، جبر، تقدیر و سرنوشت راه‌های

آسانی هستند که دست انسان را در انجام اعمال و رفتار خود باز می‌گذارند. هر عمل نادرستی که انجام می‌دهند به پای قضا و قدر و یا تقدیر و سرنوشت می‌گذارند و خود را از آن بری می‌دانند. به جبر زمان اعتقاد دارند و اختیار خود را انکار می‌کنند. شاید این گفته شاعر و دانشمند بلند پایه ما (مولوی) جوابگوی این باور باشد.

اینکه گویی این کنم یا آن کنم  
این دلیل اختیار است ای صنم  
امر و نهی و خشم و تشریف و عقیب  
نیست جز مختار و رأی ای پاک جیب  
در جهان این مدح و شاباش و زهی  
ز اختیار است و حفاظ و آگهی  
هر که جبر آورد خود رنجور کرد  
تا همان رنجوریش در گور کرد

چرا اعمال نیک و گناهان خود را به پای تقدیر و سرنوشت می‌گذاریم؟ چرا خود قبول نمی‌کنیم که اختیار انجام هر عملی را داریم و از این واقعیت طبیعی برخوردار نیستیم که جواب‌های، هوی است و بد را با بد و خوب را با خوب پاداش خواهند داد. اگر این فرصت وجود داشت که بتوان به تجربیات و عواقب زندگی اشخاص گوناگون اعم از خیراندیشان و یا ظلم‌کنندگان نگاهی بیفکنیم مطمئناً به مفاهیم این اثر بیشتر می‌بریم.

مشاهده مشکلات - رضایت‌ها - نارضایتی‌ها - شادی‌ها - غم‌ها که به رأی‌العین در زندگی روزمره اشخاص کاملاً آشکار است مرا بر آن داشت که این واقعیت را خیلی روشن و واضح بیان کنم که هر عکس‌العملی زائیده اعمالی است که با اختیار تمام خود انجام می‌دهیم و بذری است که خود کاشته و نتیجتاً خود درو خواهیم کرد.

همه جا دوش به دوش است مکافات و عمل  
هیچک را قدمی بر دگری پیشی نیست

سؤال‌های بدون جواب در ارتباط با چرا چنین شد و چرا چنین نشد و چرا باید اینچنین بشود یا نشود در ریشه‌یابی مفاهیم اشعاری است که در این مختصر جمع‌آوری و به نسبت اثرگذاری آن در اعمال و رفتار همه ما تقدیم شما می‌شود.

سال‌ها کوشش شده تا از میان کتاب‌های بسیار ۹۰۰ مورد ضرب‌المثل شعرگونه از شعرای فارسی زبان و ۱۰۰ مورد ضرب‌المثل از شعرا و گویندگان انگلیسی زبان که معادل آنها به فارسی نیز آورده شده در ارتباط با مهر و دوستی، بدی و بدخواهی، جود و بخشش جور و ظلم - عشق و محبت -



نمونه‌ای فصل دوم: ضرب‌المثل‌های انگلیسی با ترجمه فارسی و معادل آنها

As you sow, sow shall you reap

هر تخمی بکاری محصولش را بر خواهی داشت.  
دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر  
کای نور چشم من بجز از کشته ندروی

A clear conscience fears not fault accusation.

آن را که حساب پاک است از محاسبه چه باک است.  
تو پاک شو که ندارد به عرصه محشر  
حساب هر که بود پاک از محاسبه باک

A good tongue is a good weapon.

خوش زبان باش در امان باش.  
به هوش باش که سر در سر زبان نکنی  
زبان سرخ سر سبز می‌دهد بر باد

A bad penny always comes back.

سکه معیوب همیشه به دست صاحبش بر می‌گردد.  
دهن خویش به دشنام نیالا هرگز  
کاین زر قلب به هر کس که دهی باز دهد

A good name is better than riches.

نام نیک از ثروت بهتر است.  
نام نیکو گر بماند ز آدمی  
به کزو ماند سرای زرنگار

All they that take the sword, shall perish with the sword.

هر که تیغ ستم کشد بیرون  
فلکش هم بدان بریزد خون

راستی و صداقت که حاصل تفکرات و تجربیات بزرگانی چون سعدی - فردوسی - حافظ - مولوی و بیش از ۸۷ شاعر و سخنور از رودکی تا شعرای معاصر جمع‌آوری و در دسترس علاقمندان گذارده شود. از فهرست آخر کتاب بسهولت نام شاعر و شعر سروده شده قابل دسترسی است.

در آخر کتاب سعی شده شرح حال مختصری از شعرا و گویندگان فارسی زبان که گفته‌هاشان مصداق افکار و نظریات آنها در زمان زیست آنها است اضافه شود تا با مطالعه آن به خصوصیات اخلاقی و رفتاری هر یک و اعتقادی که به گفته‌های خود داشته‌اند پی ببریم.

امید است این اثر ناقابل سال‌ها برای نسل‌های مختلف باقی بماند و این نظریه در اعمال و رفتار آنها مؤثر باشد. از همه کسانی که با این تفکر موافق هستند و خواهان تکمیل این مجموعه که به صورت پراکنده در کتاب‌های مختلف وجود دارد می‌باشند تقاضای کمک دارم که مرا یاری دهند و اگر شعر یا گفته‌ای در این مورد می‌دانند و یا می‌بایند برای من ارسال دارند تا به نام خودشان به این مجموعه اضافه شود و یادگاری از آنها برای آیندگان باقی بماند.

پیوسته است سلسله موج‌ها به هم  
خودرا شکسته هر که دل ماشکسته است

نمونه‌ای از فصل اول: ضرب‌المثل‌های فارسی از شعرای فارسی زبان

چیست دانی سر دلداری و دانشمندی  
آن روا دار که گر بر تو رود بپسندی

سعدی

آن که آن کند که خواهد  
آنجایش برند که نخواهد

ناصر خسرو

آن که از دشمنان نسازد دوست  
فلک از دوستان دشمن اوست

اوحدی

آن که کردار بد روا بیند  
خود ز کردار خود جزا بیند

امیر خسرو

بدی را بدی بهل باشد جزا  
اگر مردی احسن الی من اسا

سعدی

